

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

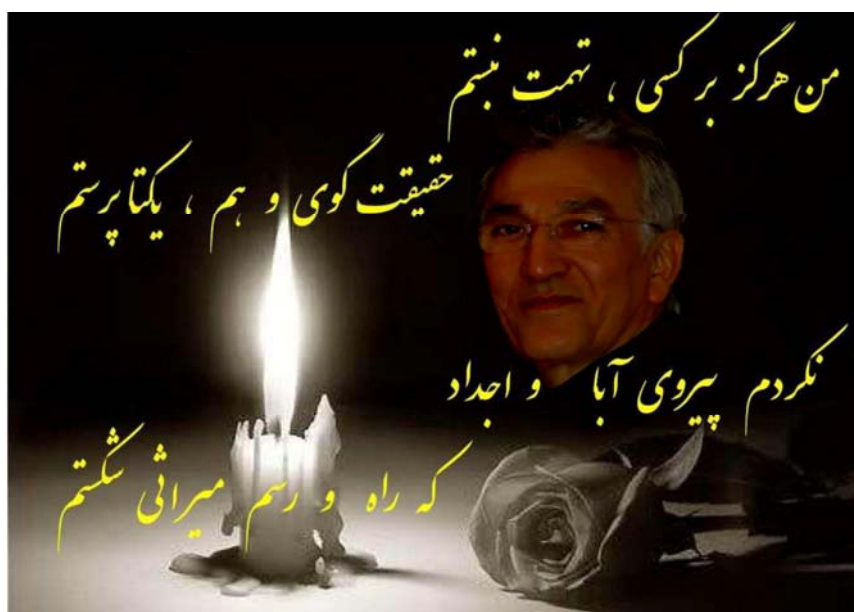
afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده

۱۸ اپریل ۲۰۱۹



تکبیر و تحیات

ما را قلم ساده و آزاده و پُر بار دایم رقمش برحق و بی پرده و استار
چندیست که از خدمت یاران و عزیزان... معذورم و گردیده به خود سخت گرفتار
حالا که کمی فرصتی پیدا شده، ذیلاً حرف دل غمدیده به یاران کنم اظهار
عرض ادب و حرمت و تکبیر و تحیات تقدیم حضور همگی، من من و خروار
بر شاعر و بر ناثر و بر طنز نویسندگان بر عاشق و معشوق جفا کار و ستمگار
یاران و عزیزان و همه خامه به داستان آنکس که پسندیده و بر بنده نوشتار
بر (احمدی) و (ظاهر) و (معروف) و به (لعلی) بر (اکرمی) و (سیفی) و بر (شاهد) و (احرار)

(شایسته) و (سینا) و (شکیب) و به (برکت) (شیرین) و به (نوری) و به (صدیق وفادار)

بر (فاطمه) و (عاطفه) و هم به (ظریفه) بر (راعی) و بر (افضلی) شوخ من آزار

بر (قاسمی) و (باهره) و (احسان) و به (ناهید) (سوما) و (ولی جان) و به (محمود سخنیار)

بر (فائزه) و (سوسن) و (سلطانی) و (سر مست) (موسی) و به (فیضی) و به (نوشین)، که ز ابرار

(شیرین احذ زاده) و (نوری) و به (کاوه) بر (فضل الحق) و (یوسف) و (آزاد) و به (سردار)

بر (تیمور) و بر (صادقی) و بر (تمره بیگ) (خان آقا) و (صدیق عمر) و محترم (یار)

(کامران) و به (خیر زاده) و (داریوش) و به (مسعود) بر محترم استاد، (نیک آئین) بزرگوار

(فاروق) و (وحید) و به (کریم) و به (کنشکا) بر (جان) و (ندا احمد) و بر (حشمت) همکار

(پروانی) و (فیروز) و (رحیمی) و به (واحد) (شاهپور) که نقد قلمش مرچ و نمکدار

(سیمین) و (شمیم) و به (علومی) و (صدیقه) (مستوره دهقان) که همی خامه به پرکار

(مومند) و (نوید) و (علم) و هم به (ملالی) بر (شاه جهان)، شاعر آزاده و پرکار

بر (ایمن) و بر (کاظمی) و هم به (ملیحه) (سیما) و به (آمیس) که از ما شده بیزار

بر حضرت (حداد) که گردیده چو شاداد بر مانه، به ایشچی و به پدرام خطاکار

او را هنری نیست بجز آشک و منتو خود پخته و خود میخوردش مثل شکمدار

یخچال و فریزر که شده مخزن منتو تشپیره و سمبوسه او نیست به بازار

گوید که مرا، قدرت کار دگری نیست جز خوردن و خوابیدن و بسرودن اشعار

حتی نتوانم که کنم جمع، لحافم هر روز مرا طعنه دهد خانم بیچار

چون قصه حداد به آخر شدنی نیست روز دگری شرح دهم، کم کم و بسیار

"نعمت" که ز اخلاص رقم زد به عزیزان باشند صحتمند و خداوند نگهدار

تکبیر و تحیات (۱)

مار و قلم ساده و ، آلوده و ، پُر بار
 دلیم رَقَمش بر حق و ، بی پرده و استار
 چندیست که از خدمت یارون و عزیزان
 معذورم و ، گردیده به خود سخت گرفتار
 حالا که کمی فرصتی پیدا شده ، ذیلاً
 حرف دل غم‌سیده به یارون کنم و اظهار
 عرض ادب و حرمت و تکبیر و تحیات
 تقدیم حضور همگی ، مَنْ مَنْ و خسروار
 بر شاعر و بر ناثر و بر طنزنویسان
 بر عاشق و معشوق جنابکار و تسمکار
 یارون و عزیزان و همه خامه بدستان
 لکن که پسندیده و بر بنده نوشتار
 بر (احمد) و (ظاهر) و (معروف) و به (علی)
 بر (اکرمی) و (سینی) و ، بر (شاهد) و (احرار)
 (شایسته) و (سینا) و (شکیب) و به (برکت)
 (شیرین) و به (نور) و به (صدیق وفادار)

(۲)
 بر (فاطمه) و (عاطفه) و، هم به (طریفه)
 بر (رلعی) و بر (وفضلی) شوخ-من آلود
 بر (قاسمی) و (باهره)، (احسان) و به (ناهید)
 (سوما) و (ولی جان) و به (محمود) بخنسیار
 بر (فائزه) و (سوسن) و (سلطانی) و (سرمت)
 (موسی) و به (فیضی) و به (نوشین)، که ز لپوړ
 (شیرین احمدزاده) و (نور) و به (کاوه)
 بر (فضل الحق) و (یوسف) و (آزاد) و به (سروار)
 بر (تیمور) و بر (صادقی) و بر (تمره یگ)
 (خان آقا) و (صدیق عمر) و محترم (یار)
 (کاملان) و به (خیرزاده) و (دلیروش) و به (مسعود)
 بر محترم استاد، (نیک آیین) بزرگوار
 (فادوق) و (وحید) و به (کریم) و به (کنشکا)
 بر (جان) و (ندلا احمد) و بر (خشت) همکار
 (پروونی) و (فیروز) و (رحیمی) و به (ولحد)
 (شاهپور)، که نقد قلمش، مچ و نمکدار
 (سیمین) و (شمیم) و به (علومی) و (صدیقه)
 (ستور و دهمتان) که همی خامه به پرکار

(۳) (مومند) و (نوید) و (عَلم) و هم به (ملالی)

بر (شاه جهان) ، شاعر آزاده و پرکار

بر (لایمن) و بر (کاظمی) و هم به (ملیحه)

(سیا) و به (آمیس) که از ماشده بیسنه

بر حضرت (حداد) که گردیده چو شداد

بر (مانده) ، به (لوشچی) و به (پدرلوم) خطاکار

او را هنر نیست بجز آشک و منتو

خود پخته و خود میخوردش مثل شکر

پنحال و سریر ، که شده مخزن پشنتو

تپسیره و سمبوسه او نیست به بازو

گوید که مراد قدرت کار دگر نیست

جگر خوردن و خوابیدن و بسزودن اشعار

حتی تو لوم که کنم جمع ، محاسنم

هر روز دهد طعنه مرا خانم بیچار

چون قصه حداد به آخر شدنی نیست

روز دگری شرح دهم ، کم کم و بسید

« نعمت » که ز خلص رستم زد به عزیزان

باشند صحتمند و خدو ننگدور